

دونالد ترامپ، با اعلام طرح ۲۱ ماده‌ای خود، مدعی است که به دنبال ایجاد صلح در غزه است. این طرح و شرایطی مطرح شده که بنابر اعلام وزارت بهداشت غزه، از آغاز عملیات ۱۷ اکتبر تا کنون، بیش از ۶۶ هزار فلسطینی در جنگ جان باخته‌اند. بخشی از بند‌های این توافق، شامل آزادی همه گروگان‌های باقی‌مانده در اسارت حماس طرف ۴۸ ساعت پس از برقراری آتش‌بس در غزه، طرح پسا‌جنگ شامل سازوکار حکمرانی در غزه بدون حضور حماس، تامین مالی دولت جدید حاکم بر غزه و بازسازی و توسعه این باریکه توسط کشورهای عرب و مسلمان، روند خلع سلاح حماس و غیرنظامی‌سازی غزه شامل نابودی همه تسلیحات سنگین و توتنل‌های باقی‌مانده در غزه است. باین وجود سران حماس هنوز درباره پذیرش این طرح به قطعیت نرسیده‌اند و نسبت به بند‌هایی از این طرح معترضند.

تلاش اسرائیل

یک تحلیلگر مسائل بین الملل اظهار داشت: سفر اخیر نتانیاهو به واشنگتن، بیشتر باهدف پرداختن به مناسبات و مسائل غزه بود، اما خط و نشان‌ها و سخنانی که از سوی مقام‌های اسرائیل و ایالات متحده درباره ایران مطرح می‌شود یا تحرکات منطقه‌ای ایالات متحده، بیشتر با هدف ایجاد رعب و وحشت است و نمی‌توان گفت لزوماً به زودی به مرحله جنگ جدید علیه ایران می‌رسد. طرح ترامپ برای غزه از جمله موضوعاتیست که برای کشورهای منطقه نیز حائز اهمیت است. در واقع اغلب کشورهای منطقه نسبت به این طرح روی خوش نشان داده‌اند. اما این طرح جای تامل دارد و با توجه به نامشخص بودن ایجاد موضوع، نمی‌دانیم طرح مذکور تا چه حد می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. سید جلال ساداتیان گفت: هماهنگی میان دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در منطقه خاورمیانه دیگر یک برداشت تحلیلی صرف نیست، بلکه واقعیتی است که در رفتارهای سیاسی و نظامی دو طرف به وضوح مشاهده می‌شود. حمله اخیر به قطر را می‌توان بارزترین نمود این هماهنگی دانست، حمله‌ای که در ظاهر با هدف مادن برحان‌ها و کاهش تنش‌ها اعلام شد، اما در باطن اهدافی به مراتب پیچیده‌تر و راهبردی‌تر را دنبال می‌کرد. در طول سال‌های اخیر، نتانیاهو در پی ارائه طرح‌ها و ایده‌هایی بوده که چهارم‌ای نرم و دیپلماتیک به خود می‌گیرند، اما در واقعیت، با هدف تقویت جایگاه اسرائیل و متحد اصلی‌اش در منطقه، یعنی ایالات متحده، طراحی شده‌اند. هر ایده‌ای که از سوی نخست‌وزیر اسرائیل مطرح می‌شود، اگرچه در قالبی به ظاهر «صلح طلبانه» یا «میانجی‌گرانه» عرضه می‌شود، اما در حقیقت بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر برای تثبیت حضور نظامی و سیاسی غرب در خاورمیانه است.

راهبرد دوباره

این تحلیلگر ارشد سیاسی بیان کرد: سیاست‌های واشنگتن در دوره ترامپ این امکان را برای تل‌آویو فراهم کرد که بسیاری از طرح‌های خود را به صورت هم‌زمان و بدون مخالفت جدی در سطح بین‌المللی پیش ببرد. این طرح‌ها از توافقات اقتصادی و امنیتی تا گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا و متحدانش در کشورهای منطقه، به نوعی ادامه همان سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکاست که رنگ و لعاب جدیدی پیدا کرده است. در ظاهر، مقامات آمریکایی از کاهش تنش و تثبیت اوضاع صحبت می‌کنند، اما در عمل هدف اصلی، گسترش دامنه نفوذ و افزایش تعداد و با ظرفیت پایگاه‌های نظامی در کشورهای منطقه است؛ پایگاه‌هایی که نه تنها از نظر نظامی بلکه از نظر سیاسی و امنیتی، توازن قوا را به سود آمریکا و اسرائیل تغییر می‌دهند. این سیاست، کشورهای کوچک در منطقه مانند قطر را تحت فشار قرار می‌دهد و مسیرهای سنتی سیاست خارجی آنها را محدود می‌کند. در نهایت، آنچه امروز شاهد آن هستیم یک راهبرد دو لایه است: یک لایه دیپلماتیک که با پذیرش صلح و کاهش تنش ارائه می‌شود و یک لایه پنهان که با هدف کنترل و گسترش حضور غرب در خاورمیانه شکل می‌گیرد. دیپلمات پیشین ایران در انگلستان در ادامه تصریح کرد: هم اکنون یک وحدت نظر با وحدت کلمه نیز بین اروپا، آمریکا و اسرائیل به وجود آمده است. در واقع با همه اختلافاتی که اروپا، آمریکا و اسرائیل با یکدیگر داشتند در مسئله اسنپ‌بک، همراهی کردند. به همین دلیل هم در مساله فلسطین یک بازی جدید را در پیش گرفته‌اند، یعنی سعی دارد در قالب طرح ترامپ، مسیر آغاز شده را ادامه دهند. البته پرداختن به طرح ترامپ و مسئله غزه موقت است و فعل‌تلاش خواهند کرد این موضوع را حل کنند، اما اگر حل نشود، با‌آنطور که مایلند، حل نشود، دوباره همه چیز روی ایران متمرکز می‌شود. اما همه این‌ها از دید من مثل یک گذرگاه است. منظور من از گذرگاه، دفتر، همراهان و رفت‌وآمد است؛ ما نمایندگان یک حقوق ثابت داریم و مبلغی هم بابت اداره دفتر و هزینه‌های جاری آن پرداخت می‌شود. احمد بیگدلی گفت: هیچ چیز مشخصی از طرف مجلس بابت دفتر، هزینه‌های دائمی آن یا

حمید حسینی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

باید مرجعیت رسانه را به داخل کشور آورد



برای مقابله با شوک تحریم‌ها باید مرجعیت رسانه را به داخل کشور آورد

نگاه‌ها به داخل افزایش یابد، از بحران‌ها عبور می‌کنیم

آزادی زندانیان سیاسی گام مهمی برای مقابله با فشار آمریکایی‌هاست



سوی دیگر اختلافات سیاسی نیز باید به حداقل ممکن برسد تا صدا و علائم چندگانه به بیرون از کشور ارسال نشود، تا غربی‌ها تصور نکنند که چندگانگی صدا و مواضع در داخل کشور به خاطر بازگشت تحریم‌ها بوده و به فکر افزایش دامنه تحریم‌ها نباشند. «آرمان ملی» در این ارتباط با حمید حسینی فعال اقتصادی و سیاسی به گفت‌وگو پرداخته است. او معتقد است: «آمریکا و اروپا با اعمال این تحریم‌ها دنبال براندازی و تجزیه کشور نیستند بلکه قصد دارند در نتیجه تحریم‌های شدید علیه ایران شرایطی را به وجود آورند تا در ارتباط با مسائل موشکی و هسته‌ای به خواسته خود دست یابند». در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.

یعنی باید نفت به‌هییم و کالا بگیریم تا مشکل حل شود؟

لازم نیست اینگونه رفتار کنیم. نفت در برابر تامین، نفت در برابر سرمایه‌گذاری و نفت در برابر توسعه زیرساخت‌ها برای ما منشأ خیر خواهد بود و اتفاقاً طرف مقابل به این شرایط راضی خواهد بود. حتماً که نباید نفت در برابر ارز باشد.

امروز پرونده ایران مستقیماً زیر نظر آمریکایی‌هاست. آیا ممکن است آنها به حمله به ایران بیندیشند؟ سوال دیگر اینکه چرا اروپایی‌ها در این دوره اینگونه با ایران رفتار کردند؟

اروپایی‌ها در این مدت خواستند با آمریکایی‌ها همراهی کنند تا در پرونده اوکراین نگاه آمریکا را همراه خود داشته باشند. به عبارت بهتر اروپایی‌ها با کارت ایران در برابر آمریکا بازی کردند تا نظر مثبت امیکار در برابر پوتین را داشته باشند. اینکه آمریکا می‌خواهد به ایران حمله کند یا نه، به نظر می‌رسد آنها دنبال تجزیه ایران نیستند و حتی به سرنگونی هم فعلاً نمی‌اندیشند. به نظر نمی‌رسد به نفع آمریکا باشد که در این منطقه دنبال تجزیه، سقوط و براندازی نظام ایران باشد، بلکه می‌خواهد با این فشارها از ایران امتیاز بگیرد. اگر هم حمله‌ای صورت بگیرد، محدود خواهد بود چراکه دنبال جنگ بلندمدت با ایران نیست.

یعنی دنبال این نیست که با افزایش فشار مردم را به اعتراض بکشانند؟

این مساله می‌تواند به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی مورد استفاده آمریکایی‌ها قرارگیرد اما به این معنی نیست که به این وسیله دنبال آن باشند که کشور تجزیه و نظام سقوط کند. چون اروپایی‌ها معتقدند ایران لنگر ثبات در خاورمیانه است. در واقع اروپا با بهم خوردن نظم منطقه به صورت جدی آسیب خواهد دید و تعداد قابل توجهی مهاجر از این بهم‌ریختگی به سمت اروپا خواهند رفت. لذا به نظر من اروپا دنبال تجزیه و آمریکادنبال براندازی نیست. اگر چه با این فشارها دنبال امتیاز گرفتن از ایران هستند تا ایران بپذیرد در موضوعات منطقه‌ای با غربی‌ها هماهنگ شود.

پیشنهاد شما در این شرایط به دولت چیست؟

اکنون به نظر می‌رسد کشور باید فرماندهی اقتصادی داشته باشد. دیگر نمی‌شود بانک مرکزی برای خودش کار کند، صمت برای خود و سازمان برنامه برای خود. اکنون فرمانده اقتصادی واحد لازم است. یک روزی در زمان آقای هاشمی، وقتی کشور مشکل پیدا کرد، وی همه مدیران را صدا کرد و گفت آقای نوربخش تصمیم نهایه‌ای را خواهد گرفت و همه باید اطاعت کنند. اگر نوربخش می‌گوید ثبت سفارش باید ۴ ماه طول بکشد، باید همینطور باشد. در آن زمان فرماندهی اقتصادی ایجاد و اقتصاد کشور مدیریت شد. اکنون به چنین چیزی نیاز داریم و کسی باید به عنوان فرمانده اقتصاد ایران تعیین شود. ضمن اینکه باید در جهت رضایت مردم حرکت کرد. حرکتی که در جهت آزادی زندانیان سیاسی و امنیتی صورت گرفت، تأثیر مثبت داشته و می‌تواند استمرار داشته باشد. در همین راستا باید تأکید کرد لازم است مرجعیت خبر و روایت‌سازی به داخل کشور برگردد تا رسانه‌های بیگانه نتوانند علیه ما خبر‌سازی کنند. هنوز هیچ تحریمی زیر نظر کمیته‌ای که باید در سازمان ملل تشکیل شود، اجرایی نشده اما از جشش کرده و این نشان می‌دهد که روایت‌سازی‌های خارج از کشور در داخل کشور اثرگذار است و باید دوشید این رویه اصلاح شود.

اقتصاد ایران چون در زیر بار تحریم‌ها به مسیر خود ادامه داده، هر چند در این مدت با چالش‌ها و سختی‌هایی دست و پنجه نرم کرده، اما می‌توان گفت تاب‌آوری بیشتری نسبت به قبل دارد

شد و اگر این تحریم‌ها را در نظر نگیرند، یک شریک راهبردی استراتژیک را از دست خواهند داد. لذا نباید اینگونه اندیشید که اروپایی‌ها بدون حساب و کتاب این شرایط را برای ایران به وجود آورده‌اند. این در کشور قطعا در روابط خود تحریم‌های بین‌المللی را در نظر خواهند گرفت. البته باید گفت که در گذشته چین و روسیه هم از جمله تدوین‌کنندگان قطعنامه ۱۹۲۱ بوده و به آن رای دادند اما زمانی که این قطعنامه علیه ایران اعمال و اجرایی شد، تأثیری بر روابط ما با این کشورها نگذاشت. درست است که در برخی حوزه‌ها نمی‌توانند به آسانی با ایران همکاری کنند، مثلاً نمی‌توانند به ایران سامانه‌های دفاعی بدهند اما به این معنا نیست که به روابط خود با ایران پایان خواهند داد. اروپایی‌ها هم البته همین‌طور هستند که با وجود تحریم‌های سازمان ملل، مدعی بودند که دارو و مواد غذایی را در لیست معافیت خود قرار داده‌اند. اینکه نتوانستند به تعهدات خود عمل کنند یا نه، موضوع دیگری است اما این کشورها هنوز هم می‌توانند در سایه چنین معافیت‌هایی، به روابط خود با ایران ادامه دهند.

در گذشته و در زمان احمدی‌نژاد که تحریم‌ها جدی شد، آرام‌آرام صف برای دارو شکل گرفت. حالا که همان تحریم‌ها بازگشته، آیا شاهد همان چالش‌ها و مشکلات خواهید بود؟

در آن زمان آمادگی لازم را نداشتیم و بانک‌ها و کشتیرانی تحریم شد و امکان جایگزین نداشتیم اما در مقابل منابع ارزی خوبی داشتیم اگرچه تحریم‌های پولی دسترسی به آن منابع را سخت کرد. کمتر کسی باور می‌کرد که قطعنامه علیه کشور صادر و حتی بانک مرکزی آن کشور تحریم شود. برخی همان وقت‌ها انتظار داشتند که چین و روسیه قطعنامه را وادو کنند. اکنون وضع فرق کرده و در این سال‌ها از قید و بند‌ها رها شده و امیدواریم با همراهی دولت و بخش خصوصی با کمترین هزینه و کمترین محدودیت‌ها، این دوران را پشت سر بگذاریم. اگر چه نباید دیپلماسی را فراموش کرد و همان‌طور که طرف مقابل اذعان کرده، هنوز راه برای دیپلماسی باز است. لذا ضمن اینکه نباید راه دیپلماسی را بست، باید روابط خود ما را با روس‌ها و چینی‌ها و شرکای منطقه‌ای توسعه دهیم تا بتوانیم از این فضاها برای تامین مواد و کالاهای مورد نیاز مردم استفاده کنیم.

نفت در برابر تامین، نفت در برابر توسعه سرمایه‌گذاری و نفت در برابر توسعه زیرساخت‌ها برای ما منشأ خیر خواهد بود و اتفاقاً طرف مقابل به این شرایط راضی خواهد بود. حتماً که نباید نفت در برابر ارز باشد

احمد بیگدلی:

حقوق نمایندگان مجلس حدود ۴۰ میلیون تومان است

آن اضافه کار است. جمعه، شنبه و یکشنبه هم فرقی ندارد. برای نمونه، یک وزیر، استاندار یا معاون استاندار، وقتی به سفر می‌رود برایش مأموریت و اضافه‌کاری ثبت می‌شود؛ اما نماینده چنین چیزی ندارد. وی افزود: حدوداً فکر می‌کنم امسال با آن افزایش ۲۰ درصدی، حقوق چیزی حدود ۴۰ تا ۴۲ میلیون تومان شده باشد. راستش را نخواهید دقیق نمی‌دانم میزان حقوق نمایندگی چقدر است.

رفت‌وآمد به شهرستان و تهران در اختیار مافرا نمی‌گیرد. حتی برای نمایندگان، برخلاف کارمندان معمولی، چیزی به نام اضافه‌کاری یا مأموریت تعریف نشده است.

متلاک کارمند اگر یک ساعت بیشتر بماند، اضافه‌کاری می‌گیرد؛ یا اگر از شهرستان به تهران بیاید، برای او مأموریت لحاظ می‌شود. اما برای نماینده چنین چیزی اصلاً وجود؛ برای نمایندگان ساعت اداری مشخصی تعریف نشده که بگویند مثل کارمند‌ها از هفت صبح تا چهار بعدازظهر سرکار باشید و بعد از

ایران از لیست سیاه FATF خارج می‌شود؟

پایان بلا تکلیفی هفت‌ساله

گره FATF، سرانجام پس از هفت سال باز شد. مجمع تشخیص مصلحت نظام لایحه CFT (مقابله با تامین مالی تروریسم) را به صورت مشروط تصویب کرد تا این لایحه تبدیل به قانون شود. حالا، همه استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در قوانین داخلی ایران رعایت شده است. بلا تکلیفی این لایحه در مجمع تشخیص باعث شده بود تا ایران وارد لیست کشورهای پرریسک این گروه (لیست سیاه) شود و مبادلاتی مالی و بانکی با جهان دچار موانع و اختلالات فراوان باشد. با این حال، رای مثبت مجمع به این لایحه با زبانه‌هایی میان موافقان و مخالفان داشت. بسیاری این پرسش را مطرح کردند که چرا مجمع تشخیص برای تصویب دو لایحه پالرمو و CFT به هفت سال زمان نیاز داشت؟ چگونه تصویب این لایحه هفت سال قبل مصلحت تشخیص داده نشد و حالا مصلحت تشخیص داده شد؟

ماجرای FATF از کجا آغاز شد؟

ماجرای لایحه مرتبط با FATF از سال ۹۴ و پس از توافق هسته‌ای آغاز شد. پس از به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای، یکی از نخستین اقدامات پسا برجام تعلیق ایران از لیست سیاه این گروه بود. ایران در دوران محمود احمدی‌نژاد در لیست سیاه قرار گرفته بود و تداوم حضور در لیست سیاه عملاً امکان بهره‌برداری از مزایای رفع تحریم‌های هسته‌ای پس از برجام را سلب می‌کرد. با این تعلیق، به دولت ایران فرصت داده شد تا کنوانسیون‌های مرتبط با FATF را در کشور اعمال و قوانین لازم را به تصویب برساند. قوانینی برای حداقل‌کردن شفافیت مالی و جلوگیری از پول‌شویی در نظر گرفته شده بودند. در این میان، از بین همه لایحه، فقط لایحه دو کنوانسیون پالرمو (مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی) و CFT (مقابله با تامین مالی تروریسم) که به صورت لایحه به مجلس فرستاده شده بودند تبدیل به قانون نشدند.

هفت سال بلا تکلیفی

با وجود تلاش‌های دولت روحانی مجمع تشخیص لایحه مورد نظر را تصویب نکرد و بلا تکلیف گذاشت. در آن مقطع مقامات دولت تأکید داشتند که عدم تصویب این لایحه و قرارگرفتن دوباره در لیست سیاه خودتحریمی است. اما سرانجام با بلا تکلیفی این لایحه در اسفند ۹۸ ایران بار دیگر وارد لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی شد. این لایحه در دولت سیزدهم نیز بلا تکلیف ماند، اما با روی کار آمدن مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور یکی از اهداف اصلی خود را رفع چالش‌ها در ارتباط با جهان تعیین کرد و در نخستین نشست خبری خود نیز درباره FATF گفت: «چاره‌ای جز حل بحث FATF نداریم»، مجمع تشخیص پس از درخواست دولت چهاردهم و موافقت رهبری بار دیگر دو لایحه را در دستور کار خود قرار داد. حالا با گذشت یک سال از عمر دولت، پالرمو و CFT در مجمع تصویب شدند تاگرهی هفت‌ساله سرانجام باز شود.

ادعای مخالفان چیست؟

با فعلن شدن مکاتیمسم ماشه، مخالفان FATF ادعا داشتند که تصویب لایحه مرتبط برای ایران هیچ سودی ندارد. این در حالی است که مجمع تشخیص پیش از این به همه ادعاهای مخالفان پاسخ روشن داده بود. براساس بیانیه مجمع «به غیر از برخی کشورهای کوچک و با نواحی قضایی، اکثر قریب به اتفاق کشورها این کنوانسیون‌ها را پذیرفته و ملحق شده‌اند و در این میان، تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به یک استثنا در بین سایر کشورها در موضوع قبول تعهدات بین‌المللی مبارزه با جرایم سازمان یافته - و نیز مقابله با تامین مالی تروریسم- قطعاً به نفع مصلحت کشور نبوده و عملاً تداوم این وضعیت، بی‌انگیزگی کشورهای دوست در جهت حمایت از ایران در مجامع بین‌المللی را به همراه خواهد داشت و تلاش‌های وزارت خارجه جهت شبکه‌سازی بین‌المللی به نفع مصلحت ملی کشور را پرهزینه می‌نماید». ادعای دیگر شفاف‌شدن اطلاعات مالی و بانکی ایران بوده است. اما واقعیت این است که در کنوانسیون‌های پالرمو و هم چنین CFT هیچ اشاره‌ای به الزام کشورها جهت ارائه اطلاعات اقتصادی و حیاتی خارج از چارچوب قوانین داخلی کشورها وجود ندارد. از سوی دیگر، بودن در فهرست کشورهای غیرهمکار باعث حساسیت و رصد بسیار بیشتر روی تراکنش‌ها و مراودات مالی ایران با دیگر کشورهاست. جابجایی که کشور‌ها به عضو عملاً قید همکاری با کشورهای غیرهمکار را به دلیل این سخت‌گیری‌ها می‌زنند.

درخواست روسیه و چین

از سوی دیگر حتی کشورهایی مثل روسیه و چین که اکنون اعلام کردند بازگشت تحریم‌های ایران را به رسمیت نمی‌شناسند، بارها از ایران خواسته بودند به کنوانسیون‌های FATF بپیوندند و از لیست سیاه خارج شود. موافقان پیوستن به FATF نیز تأکید داشتند که موضوع کنوانسیون‌های پالرمو و CFT به لحاظ ماهوی ارتباط مستقیمی با رژیم تحریم‌های برجام ندارد و در حیطه حیطه استانداردسازی نظام مالی و بانکی کشور تعریف می‌شود؛ بنابراین در شرایط بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، پیوستن به FATF نه تنها آسیب‌زا نیست، بلکه از آثار گسترده تحریم‌ها می‌کاهد و از انزوای همه‌جانبه ایران جلوگیری می‌کند.

خروج از لیست سیاه؟

جمهوری اسلامی ایران در کنار کره شمالی و میانمار سه کشوری هستند که در لیست سیاه FATF حضور دارند. حالا ایران با تصویب کنوانسیون‌ها و قوانین مرتبط می‌تواند در فرآیند درخواست خروج از لیست سیاه سه دهد. دو شرط ایران در تصویب این لایحه یکی آن است که به مفاد این کنوانسیون در چارچوب قانون اساسی عمل می‌کند و دوم اینکه در چارچوب قانون اساسی قوانین داخلی خودش به این کنوانسیون عمل خواهد کرد. حال باید دید که با این شرایط ایران از لیست سیاه خارج می‌شود یا نه. اتفاقی که اگر رخ دهد می‌تواند بن بست فعلی در زمینه روابط مالی و بانکی با کشورهای جهان را تا حدی بشکافد.